

## سنجش ابعاد اجتماعی و روانی احساس امنیت زنان کلان شهر مشهد و عوامل موثر بر آن

محمدحسن شربتیان<sup>1</sup>\*

### چکیده

امنیت از مهمترین مؤلفه های اجتماعی، روان شناختی و فرهنگی هر جامعه ای می باشد که با توجه به حوزه مطالعات جامعه شناختی و روان شناسی، این مؤلفه برای حیات هر نظام سیاسی و اجتماعی لازم می باشد. احساس امنیت شهروندان از بعد روانی و اجتماعی ارتباط مستقیم با پدیده امنیت دارد، از این رو موضوعات و مسائل بسیاری را پیرامون خود در ارتباط با ایجاد امنیت یا ناامنی به عنوان یک مسأله در جامعه با خود به همراه می آورد. بخشی از این مسأله با گروه اجتماعی زنان مرتبط است که در سطح کلان شهرهای جامعه ایران بالاخص شهر مشهد این تحقیق به نوعی هدفش واکاوی احساس روانی و اجتماعی زنان نسبت به امنیت عمومی است که در سطح جامعه شهری وجود دارد. این نوشتار سعی بر این دارد که با توجه به بررسی پیمایشی از نظر وسعت تحقیقاتی در سطح پهنانگر بر اساس مقطعی بودن و زمان مورد مطالعه (1390) زنان بالای 20 سال مناطق 12 گانه شهری مشهد را بر اساس حجم نمونه و فرمول کوکران 391 نفر را براساس روش نمونه گیری خوشه ای و چند مرحله ای و با استفاده از تکنیک پرسشنامه مصاحبه ای و در مجموع روایی سازه های مناسب تحقیق (آلفای کراباخ) در میان خوشه های منتخب به دست آمده است، مورد مطالعه قرار دهد. در این پژوهش میانگین احساس امنیت زنان بر اساس طیف لیکرت (5گزینه ای) در حدود 2/27 بوده که از میانگین نمره متوسط پایین تر است. بر اساس تحلیل رگرسیون چند متغیری با روش گام به گام مهمترین عوامل موثر بر احساس امنیت زنان عبارتند از استفاده از رسانه های جمعی، نگرش به پوشش، طراحی و برنامه ریزی شهری، نگرش فرد به خود، بوده و متغیرهای حمایت اجتماعی و امنیت اقتصادی رابطه معکوس با متغیر وابسته دارند؛ در واقع این عوامل توانسته اند، 55% واریانس متغیر وابسته پژوهش را تبیین کنند

**واژه های کلیدی:** احساس امنیت، زنان، رسانه های جمعی، مسأله اجتماعی، نگرش.

<sup>1</sup> - دانشجوی دوره دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، عضو علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه پیام نور و عضو پیوسته انجمن جامعه شناسی و انسان شناسی ایران. نویسنده مسؤول: [sharbatriyan@pnu.ac.ir](mailto:sharbatriyan@pnu.ac.ir)

## مقدمه

تعاملات انسانی در حوزه زندگی اجتماعی در چهار حوزه اصلی (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی) صورت می‌گیرد، که موجب تدام پایدار زندگی خواهد شد. این تداوم در عرصه زندگی اجتماعی بدون مشارکت پایدار عوامل مختلف از جمله پارامترهای (سیاسی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و...) میسر نخواهد بود.

با توجه به این عوامل، وجود امنیت در قالب مصادیق بیرونی و عینی<sup>1</sup> در چارچوب رعایت نظم و کنترل اجتماعی از مشارکت پایدار شهروندان و نهادهای حکومتی و دولتی قابل مطالعه و ارزیابی می‌باشد. در مقابل مطالعه احساس امنیت یک بعد ذهنی<sup>2</sup> و مفهومی درونی است، که در بین گروه‌های اجتماعی از جمله زنان در جامعه ما از اهمیت بسیاری برخوردار است.

در واقع فقدان عوامل تهدید کننده فردی و احساسی که به این گروه اجتماعی در جهت به خطر افتادن امنیت شان به دست می‌دهد، باعث می‌شود احساس درونی ناامنی شکل گیرد، که این امر در ساختار کلان شهرهای جامعه ما باعث بروز پیامدهای آسیب شناختی اجتماعی و تقویت کاهش اعتماد و سرمایه اجتماعی در زندگی اجتماعی شهروندان بالاخص زنان نسبت به جامعه شده است.

در این زمینه می‌توان یادآوری کرد که احساس امنیت می‌تواند با امنیت یا همان نظم اجتماعی لازم در سطح هر جامعه‌ای تناسب واقعی داشته باشد، یا متناسب نباشد، یعنی در شرایطی که امنیت عینی در جامعه معنا و مفهومی نداشته باشد، فرد یا گروه اجتماعی می‌تواند هم احساس امنیت بنماید، یا اینکه آنقدر در سطح جامعه عوامل ایجاد کننده امنیت بسیار پایدار است که فرد یا گروه اجتماعی احساس امنیت نمی‌کند. «بدون تردید احساس امنیت مقدمه لازم برای حیات هر نظام سیاسی و اجتماعی است و دولت‌ها هزینه، زمان و امکانات و سببی را برای تأمین آن صرف می‌کنند. مقوله احساس امنیت به مثابه یک آرمان و واقعیت به عنوان یکی از حقوق اساسی مردم مطرح است و در نهایت ره آوردمجموعه‌ای از تعاملات و نیز تعاون و سازگاری بین اجزای مختلف نظام اجتماعی می‌باشد.» (احمدی و همکار، 1389: 170)

<sup>1</sup>.Objective

<sup>2</sup>.Subjective

با توجه به تغییرات اجتماعی که در اغلب جوامع توسعه یافته و در حال توسعه از جمله جامعه ما رخ داده، نگرانی از امنیت در هر سطحی نمودهای عینی و ذهنی پیدا کرده است، در دهه اخیر با توجه به فراز و فرودهای اقتصادی و فرهنگی که حاکم بر جامعه ما شده، زندگی اجتماعی شهروندان از جمله گروه اجتماعی زنان را به شدت دگرگون کرده است. این تغییرات از یک سو ناامنی اقتصادی و شغلی را با خود به همراه آورده، که بسیار مسأله جدی است و با کاهش روبه تشدید امنیت اقتصادی، ناامنی ذهنی در جامعه افزایش یافته، آسیب پذیری شهروندان گسترش یابد و همین تهدیدات باعث شده که سلامت شهروندان به خطر افتاده، در نتیجه اعتماد و سرمایه اجتماعی جامعه کاهش یافته است.

علاوه بر این در دهه های اخیر اشتغال زنان در حوزه عمومی و اختصاص دادن بخشی از زمان زندگی اجتماعی این دسته از شهروندان در خارج از حوزه خصوصی (خانه) در نتیجه مواجهه با آسیب های اجتماعی را امکان پذیر تر کرده، از این رو چنین به نظر می رسد که احساس امنیت اجتماعی زنان در دهه های اخیر برای جامعه علمی و انتظامی به دلیل پایین تر بودن از جامعه مردان از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ بنابراین براساس یافته های تحقیقات مختلف در زمینه احساس ناامنی زنان در جوامع شهری بالاخص کلان شهرها نسبت به بافت های کوچک شهرستانی و روستاها که هنجارهای محدود تری برای زنان در عرصه عمومی می توان مشاهده نمود، ناامنی بسیاری قابل ارزیابی است.

در چنین شرایطی کلان شهر مشهد به عنوان دومین کلانشهر جامعه ایران باعث شده که در این تحقیق احساس امنیت زنان به عنوان یک مسأله اجتماعی تلقی شود که مطالعات میدانی و تحقیق در این زمینه را می طلبد.

وجود احساس امنیت یا امنیت ناشی از ارزش های جدید و نظام ارزشی حاکم بر جوامع که سلول های بنیادی و منظومه هویتی جامعه را در بر می گیرد، هسته اساسی امنیت را شامل می شود، تحول در ارزش ها زمینه ساز بحران های مختلف از جمله فقدان احساس امنیت برای گروه های اجتماعی از جمله (زنان، کودکان، و...) آسیب های اجتماعی و بحران هویت خواهد شد، که این امر با پیامدخطر هستی و کیان جامعه رابطه مستقیم دارد. بنابراین «امنیت در خود حامل معانی اطمینان، عدم خوف، در امان بودن و

نهراسیدن است. یعنی احساس امنیت (حالات و موقعیت های ذهنی) تا ایمنی و اطمینان خارجی (موقعیت های عینی و برونی) در این واژه نهفته است (موذن جامی، 1378: 19).

احساس امنیت به عنوان زمینه و بستر قضاوت شهروندان و گروه های اجتماعی از زوایای مختلف قابل مطالعه است؛ در واقع احساس امنیت را می توان در سطح فردی در حوزه روانشناسی و در سطح جمعی در حوزه جامعه شناسی مورد تعمق قرار داد. «از دیدگاه جامعه شناسی احساس امنیت در واقع یک تولید اجتماعی است، یعنی همه نهادهای اجتماعی در شکل گیری آن نقش دارند با این دید طبیعتاً همه ارکان جامعه از جمله حاکمیت، پلیس و... در تولید و ارتقای سطح آن نقش کلیدی و لاینفک دارند.» (رضایی، 1385: 5).

امنیت پدیده ای چندبعدی است و مطالعه میزان آن در یک جامعه از جهات مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امکان پذیر است. در این پژوهش نیز که احساس امنیت زنان مورد بررسی قرار گرفته، به این مسأله از جهات مختلف اشاره شده است. امروزه با گسترش مدرنیته و بالارفتن ارتباطات و اطلاعات و مشکلات ناشی از آن مانند، افزایش تورم و هزینه های بالای زندگی، گرانی مسکن و عواملی نظیر آن از یک سو؛ و بی سوادگی و بی سرپرستی در جامعه از سوی دیگر در کلان شهر بزرگی چون مشهد، مشارکت زنان پایه پای مردان در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی و... را امری ضروری نموده است. عده ای برای تأمین نیازهای اولیه خود مجبور به کارکردن در بیرون از منزل هستند، اما مسأله اشتغال زنان خود تبعات فراوانی را به همراه دارد که مهم ترین آنها ناامنی محیط های شغلی و احساس عدم امنیت زنان در محیط کار است.

به عقیده بسیاری از کارشناسان، وجود امنیت در یک جامعه به همان اندازه مهم است که احساس امنیت در آن جامعه و چه بسا احساس امنیت در جامعه مهم تر از وجود امنیت است؛ چراکه واکنش های فرد در جامعه بستگی به میزان دریافت و ادراک او از امنیت دارد. بر این اساس تا زمانی که از نظر فرد، امنیت در جامعه وجود نداشته باشد، پس احساس امنیت نیز نخواهد کرد. تا زمانی که زنان در مدرسه، دانشگاه، محیط کار، مکان های عمومی، خیابان و... احساس آرامش نداشته باشد، مسلماً احساس امنیت نیز نخواهد کرد. پس نگرانی از تجاوز جنسی، آزار و اذیت در محیط کار، احساس خطر در رفت و آمد در سطح شهر و... همگی می تواند در احساس امنیت اجتماعی مؤثر واقع شوند (نوروزی و همکار، 1388: 131).

احساس امنیت زنان در جامعه از جمله کلان شهرهای ایران حالتی است که آحاد جامعه هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی های مشروع خود نداشته باشند و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد. احساس امنیت زنان در کلان شهرهای ایران از جمله مشهد به احساس روانی شهروندان زن به میزان جرم، وجود یا نبود جرم و شرایط جرم خیزی در آن شهر باز می گردد؛ بنابراین این مقاله و تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال است که امنیت زنان از بعد اجتماعی و روانی چگونه سنجیده می شود؟

در چند سال اخیر، ترکیب تحولات جمعیتی و اجتماعی اغلب جوامع توسعه یافته و روبه توسعه از جمله جامعه ما را دستخوش تغییرات و پیامدهای ناگوار در عرصه های مختلف بالاخص در حوزه امنیت و افزایش احساس ناامنی بویژه در کلان شهرها مورد نگرانی و دغدغه دانشگاهیان و مسؤولان امر قرار داده است.

احساس امنیت به قلمروهایی از حریم افراد و گروه های اجتماعی جامعه مربوط می شود که در تعامل با یکدیگر، ارتباط با جامعه و سازمان های اجتماعی و نهادهای حکومتی معطوف می گردد که به طور مستمر و در طول زندگی روزمره اعضای جامعه با این پدیده در حوزه ها و قلمروهای مختلف روبرو می شوند و زندگی آنها مستلزم ارتباط در این عرصه ها می باشد. با توجه به این امر مولر معتقد است که «امنیت در مفهوم عینی آن اندازه گیری فقدان تهدید علیه ارزش ها و در مفهوم ذهنی به فقدان احساس ترس از اینکه چنین ارزش هایی مورد حمله قرار خواهد گرفت اشاره دارد. امنیت توانایی جامعه در دفاع از خصوصیات و ویژگی های اساسی خود در برابر تغییرات و تهدیدات واقعی و احتمالی است، امنیت اجتماعی زمانی مطرح می شود که جوامع احساس می کنند، هویت شان در خطر است» (Moller, 2000, 1).

وجود احساس امنیت در بین گروه اجتماعی زنان از بعد روانشناسی عبارت از احساس اعتماد، آرامش و رهایی از اضطراب و ترس درباره برآورده شدن نیازهای خود در حال و آینده می باشد. بر اساس این ضرورت مشخص می شود که امنیت برای شهروندان از جمله زنان یک احساس اهتمام بخش بوده و دوم اینکه این احساس مرتبط به رفع نیازهای شخصی زنان در حال و آینده می باشد، به همین دلیل اینکه زنان بتواند آینده خود را در جهت رفع نیازهای شخصی پیش بینی کند امری ضروری برای احساس امنیت به شمار می رود.

با این وجود احساس امنیت زنان از زندگی اجتماعی خود هراسان و نگران نبوده و در تعامل با محیط اجتماعی خود از سوی دیگران احساس ایمنی می کنند. با توجه به این ضرورت «احساس امنیت زنان در سطح خرد که اشاره به روابط بین افراد در حوزه کار، تحصیل، خویشاوندان، همسایگان، همکاران و نیز تجربه های مستقیم و غیرمستقیم روزانه افراد از پدیده های مختلف از جمله سرقت، ضرب و شتم، قتل، تجاوز، ربانندگی و غیره و برخوردهای اقتصادی، اجتماعی زنان، احساس امنیت این گروه اجتماعی را شکل می دهد» (بیات، 1388: 16).

بر این اساس احساس امنیت گروه اجتماعی زنان با بسیاری از عناصر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی جامعه ارتباط می یابد. احساس امنیت فرایندهای روانی و اجتماعی است که صرفاً بر افراد زنان تحمیل نمی شود بلکه اکثر اعضای این گروه اجتماعی در جامعه بر اساس نیازها، علایق، خواسته ها و توانمندی های شخصیتی و روانی خود در ایجاد و از بین بردن آن نقش اساسی دارند.

در یک پیمایش ملی نتایج احساس امنیت برای کل جامعه ایران نشان می دهد که «52 درصد از افراد دارای احساس امنیت اجتماعی زیادی، 27 درصد متوسط و 21 درصد دارای احساس ناامنی اجتماعی هستند. این میزان برای استان های خراسان بدین گونه است که 43/6 درصد افراد دارای احساس امنیت اجتماعی زیاد، 32/2 درصد امنیت متوسط و 24/2 درصد احساس بی امنیتی اجتماعی می کنند. ملاحظه می شود که این میزان کمتر از میانگین احساس امنیت کل کشور است. همچنین از دیگر نتایج این تحقیق این است که 21 درصد افراد احساس ناامنی را کم اهمیت و حدود نیمی (56 درصد) احساس امنیت را مشکل اصلی تلقی می کنند (عظیمی هاشمی، 1384: 190).

با توجه به نتایج حاضر می توان اشاره به این کرد که عوامل متعددی در ایجاد احساس ناامنی زنان دخالت دارد که می توان به مواردی چون کاهش اعتماد عمومی نسبت به مجریان، برقراری و حفظ نظم، وجود فرهنگ شفاهی با کارکرد قوی، ایجاد شایعه در بین مردم، فقدان نظام آموزشی و اطلاع رسانی فعال جهت ارتقای دانش و پیش امنیتی جامعه اشاره کرد.

بنابراین اهمیت بررسی و شناخت ابعاد زوایای احساس امنیت در کلان شهرهای جامعه از این جهت ضرورت دارد که کنشگران در انجام کنش با مراجعه به ذهنیت روان شناختی و تاریخی خود به تصمیم گیری و انجام کنش اقدام می کند، لذا ارزیابی و

احساس زنان از فضای کنش نقش بستری و زمینه‌ساز در این تصمیم‌گیری ایفا می‌نماید، چرا که رابطه بین ساختارهای عینی (امنیت) و صورت‌های ذهنی (احساس امنیت) مبنای تصمیم‌گیری افراد می‌باشد.

با توجه به اینکه احساس امنیت در بین گروه اجتماعی زنان در کلان شهر مشهد به صورت ذهنی مورد مطالعه در این پژوهش قرار گرفته است، تأکید بر رهیافت نظری می‌کند که بیشتر بر ارزش‌های ذهنی و گروهی تکیه کرده است. این رهیافت اشاره به این می‌کند که «تهدیدات، عمدتاً علیه ارزش‌ها و هویت‌های گروه‌های اجتماعی است و در نتیجه امنیت زمانی حاصل می‌گردد که گروه‌ها و خرده فرهنگ‌ها بتوانند به راحتی ابراز وجود نموده، ایده‌ها، خواسته‌ها و ارزش‌های خود را مطرح کنند. پس مهمترین منبع تحقیق امنیت، خود جامعه و گروه‌های اجتماعی است» (احمدی و همکار، 1389: 172).

در این رهیافت احساس امنیت یک گروه خاص در درون یک جامعه (مانند زنان) را با امنیت و حتی فراتر از تعهد دولت معطوف می‌سازد. رهیافت اخیر از لحاظ معرفت‌شناختی<sup>1</sup> پسامثبت‌گرایی<sup>2</sup> بوده و تعریف عینی و مشخصی از انسان و امنیت را ارائه نمی‌دهد، بلکه نگاهی فرهنگی و تعاملی داشته در این زمینه نظریه‌های نظریه پردازان زیر در باره احساس امنیت بیان می‌شود.

الف) از نظر مولار<sup>3</sup> احساس امنیت جوامع آشکار با امنیت سیاسی پیوند دارد، اما مجزا از آن است. «امنیت سیاسی به ثبات سازمانی کشورها، نظام‌های دولت و ایدئولوژی که به دولت و حکومت‌ها مشروعیت می‌بخشند مربوط می‌شود، اما امنیت اجتماعی به بقای گروه‌های اجتماعی توجه دارد که به جهت اشتراک اعضای آن به عنوان هویت یاد می‌شود. امنیت دولت دربرگیرنده حاکمیت به عنوان معیار نهایی خود است، اما امنیت اجتماعی دربرگیرنده هویت است و هر دو آنان بر بقا دلالت دارند» (نویدینا، 1382: 61).

ب) بوزان<sup>4</sup> بحث خود را در باب امنیت اجتماعی با بیان معنای ارگانیکی نهفته در این نظریه آغاز می‌کند و معتقد است «زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که نیروی بالقوه یا بالفعلی به عنوان تهدید برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد.

<sup>1</sup>-Epistemology

<sup>2</sup>-Pas-positivity

<sup>3</sup>-Moller

<sup>4</sup>-Buzan

امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی هایی ارجاع داد که بر مبنای ان افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می کنند یا به بیان دیگر امنیت اجتماعی معطوف به جنبه هایی از زندگی فرد می گردد که هویت گروهی او را سامان می بخشد» (نویدنیا، 1385: 65).

ج) میران میتار<sup>1</sup> وی برای ارزیابی امنیت اجتماعی از مدل سیستماتیک استفاده می کند و در این کار بر نظریه آنارشی اجتماعی بایلی تکیه می نماید. «وی تلاش می کند مسائل اجتماعی را بر اساس سطوح متفاوت (فرد، گروه، سازمان، اجتماع، جامعه و سیستم فراملی) تحلیل کند و از آنارشی<sup>2</sup> به جای تعادل به عنوان وسیله ای برای اندازه گیری حالات نظام استفاده می کند. در تئوری آنارشی اجتماعی از شش متغیر کلان اجتماعی نام می برند که عبارتند از جمعیت=P، اطلاعات=I، فضاء=S، تکنولوژی=T، سازمان=O و سطح کیفی امنیت=L (Level of quality of security) که معادله عوامل بالا به این صورت می باشد:  $L=F(P,I,S,T,O)$  بر اساس این معادله می توان نتیجه گرفت که هر گروه اجتماعی اگر از میزان جمعیت، اطلاعات، فضا یا سرزمین، تکنولوژی و سازماندهی بیشتری برخوردار باشد از امنیت اجتماعی بیشتری نسبت به سایر گروه ها که بهره کمتری از متغیرهای فوق دارد، برخوردار است.» (Mitar, 1996: 7) به نقل از احمدی و همکار، 1388: 173).

د) وجود رهیافت فمینیستی بخش دیگری از مباحث احساس امنیت زنان را می تواند مورد ارزیابی نظری قرار دهد. در این بحث نظری بسیاری در میان فمینیست ها وجود دارد که تجمیع نظر آنها در اندیشه ای واحد را ناممکن می گرداند. اگرچه می توان عنوان نمود که رویکردهای فمینیستی به معنای کامل کلمه، رویکردهای امنیتی مردم محور هستند. به عبارت دیگر فمینیست ها داعیه عطف توجه جریان مطالعات امنیتی به سطح خرد، یعنی شهروندان و افراد که غالباً در پرتو ملاحظات قدرت محور به فراموشی سپرده شده اند را دارند.

ه) از دیگر نظریه های موجود درباره احساس امنیت افراد مدل پایگاه قدرت تئودور کمپر است. که در سه فرضیه خلاصه می شود. «1- هر چه شخص در روابط اجتماعی افزایش قدرتی را احساس کند، احساس رضایت از امنیت و اعتماد بیشتر

<sup>1</sup>-Mitar

<sup>2</sup>-Anarchy



خواهد بود. 2- هرچه شخص انتظار به دست آوردن قدرت در روابط اجتماعی را داشته باشد ولی آن را به دست نیاورد، احساس اضطراب او و به صورت بالقوه احساس ترس او بیشتر خواهد بود. 3- هر چه شخص بیشتر احساس کند که پایگاهش در روابط اجتماعی در حال صعود است، احساس رضایت و رفاه او بیشتر خواهد بود» (نصری، 1390: 61).

و) نظریات مرتبط با تاثیر فضا و محیط فیزیکی بر احساس امنیت را می توان از مباحثی درخور توجه در این مسأله قرار داد. به عبارت دیگر «فضاهای بر رفتار فرد تاثیر می گذارند و می توانند برای تنظیم رفتار او به کار گرفت شوند، امری پذیرفتنی است. در این رویکرد که گاه بوم شناختی خوانده می شود، تلاش بر این است که بین احساس فردی و متغیرهای زمینه ای مانند شهرنشینی، زندگی اجتماعی و آشفته‌گی مدنی ارتباط برقرار شود. برخی از مطالعات انجام شده در این رویکرد تلاش کرده اند نشان دهند که بین محل سکونت و احساس ناامنی رابطه وجود دارد: از جمله می توان به این ایده اشاره کرد که علائم حاکی از انحطاط فیزیکی محله و ضعف کنترل های اجتماعی می توانند برداشت عمومی از خطر جرم و ناامنی را تحت تاثیر قرار دهد» (حسینی، 1386: 24).

ز) همانگونه که فضاهای شهری می توانند با برنامه ریزی و طرح ریزی صحیح محل بروز و نمود فضائل انسانی باشند، «از جهت دیگر می توانند از طریق رهاشدگی و برنامه ریزی های نادرست و ساده انگارانه به مکان بروز انواع جرایم دفاع شهری تبدیل گردند. در این راستا، فضاهای بدون دفاع شهری یا فضاهای شهری که نسبت به سایر فضاهای قابلیت بیشتری برای وقوع جرایم و تخلفات و اعمال نابهنجار دارند.» (طاهرخانی، 1381: 88) موجبات کاهش امنیت افراد و به ویژه امنیت اجتماعی زنان را فراهم می آورند. وود<sup>1</sup> اولین کسی بود که به ارتباط میان جرم و محیط فیزیکی اشاره می کند. او این بحث را مطرح می کند که چگونه ویژگی های ساختاری مربوط به گسترش منازل عمومی مانع تماس و ارتباط میان ساکنان آن که زیربنای (کنترل اجتماعی غیررسمی است) می شوند.

ح) رویکرد آسیب پذیری که نگاهی جمعیت شناختی دارد تأکید بر عوامل جنسیت، سن و موقعیت اجتماعی و اقتصادی می کند. در این رویکرد جنسیت بیشترین قابلیت را

<sup>1</sup>-Wood

برای تشریح و پیش بینی احساس ناامنی دارد، مطالعات بسیاری بین این دو پدیده را تأیید کرده و نشان داده اند که معمولاً زنان بیشتر از مردان احساس ناامنی را گزارش می کنند. همچنین زنان صرف نظر از سن شان بیشتر از مردان می ترسند و حال اینکه این ترس، متناسب با بالا رفتن سن افزایش می یابد. همراه با افزایش سن، نقش تفاوت های جنسیتی در پیدایش احساس ناامنی کاهش می یابد.

با توجه به این رویکردهای ذکر شده در سطور قبل، جدول زیر به صورت خلاصه اشاره به رهیافت های نظری قابل استفاده و در این تحقیق می کند که به صورت خلاصه به آنها اشاره نموده ایم.

جدول شماره 1: رویکردهای نظری مورد استفاده و متغیرهای مستقل

ردیف	رویکردهای نظری	متغیرهای مستقل
1	رهیافت قدرت محور: نظم اجتماعی از شرایط وجوی احساس امنیت است. که از طریق استمرار نظام ارزشی و فرایند جامعه پذیری حاصل می شود	فرهنگ و هنجارهای اجتماعی. وضعیت خانواده. حمایت اجتماعی
2	رهیافت هویت محور: اشاره به دیدگاه پساپوزیتیویستی - تأکید بر جامعه - گروه های اجتماعی متفاوت - هویت و معنا - امنیت دورن زا و محصول اجتماعی.	خروج از خانه. نگرش به پوشش. -مقاومت اجتماعی
3	رهیافت فمینیسمی: برابری زن و مرد و رفع تبعیض زنان در تمام عرصه های زندگی اجتماعی	شغل. درآمد. منطقه محل زندگی.
4	نظریه فضای دفاع قابل شهری: تأثیر فضا بر رفتار فرد- تأثیر دوگانه فضا بر رشد یا بروز جرم در رفتار افراد	برنامه ریزی و طراحی شهری
5	تئوری انارشیمیستی: هر گروه اجتماعی که به اندازه بیشتری دارای متغیرهای (جمعیت، اطلاعات، فضاء، تکنولوژی، سازمان) باشد از احساس امنیت بیشتری برخوردار است	استفاده از وسایل ارتباط جمعی
6	رویکرد آسیب پذیری: تأکید بر عوامل جمعیتی همچون جنسیت- سن و موقعیت اجتماعی - اقتصادی	سن - جنسیت- موقعیت اجتماعی و اقتصادی

## ابزار و روش

تحقیق حاضر نوعی بررسی مقطعی و تبیینی و تحلیلی می باشد که در آن به دلیل نیازمندی به نظرات پاسخگویان از تکنیک پرسشنامه مصاحبه ای شده است. همچنین پژوهش حاضر از نظر هدف، یک بررسی کاربردی و از نظر وسعت پهنانگر می باشد، که

با توجه به اثبات و یافته‌های به دست آمده، نتایج تحقیق به زنان کلان شهر مشهد تعمیم داده می‌شود.

جامعه آماری این پژوهش زنان بالای 20 سال شهر مشهد بوده که در مناطق 12 گانه شهر مشهد سکونت داشته‌اند، و سطح واحد تحلیل فرد بوده است. که با توجه به آخرین سرشماری موجود در سال 1390 آمار این گروه اجتماعی 217, 725 نفر بوده، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شده و دقت برآورد  $d=0/05$  و  $P$  پراکندگی بر اساس میزان بیشترین جمعیت در هر منطقه یکی از ابعاد در مطالعه مقدماتی و پری تست یا نمونه 65 موردی بوده است، بر این اساس و با توجه به سطح اطمینان 95 درصدی نمونه‌ای به تعداد 356 نفر انتخاب شده اند که 10 درصد نمونه بالاتر گرفته شده که بتوانیم سطح خطاهای تحقیق را کاهش یابد، در نهایت 391 یافته از مناطق 12 گانه شهر مشهد جمع‌آوری شده است.

روش نمونه‌گیری در این تحقیق پژوهش خوشه‌ای چند مرحله‌ای است که برای انتخاب زنان بالای 18 سال با توجه به مناطق یاد شده شهری تعدادی از محلات انتخاب شده، سپس از میان محلات انتخاب شده، بلوک‌هایی برگزیده شده است و نهایتاً کار به انتخاب نمونه‌ای از خانوارها و استفاده از روش استاندارد برای انتخاب افراد در خانوارهای منتخب ختم گردیده است.

با توجه به مبانی نظری مورد مطالعه در تحقیق مذکور در سطور ذیل تعدادی از فرضیات را به منظور نگرش افراد به احساس امنیت زنان آمده است، که مهمترین فرضیات به شرح ذیل می‌باشد.

الف) بین حمایت اجتماعی از زنان و احساس امنیت زنان رابطه معناداری وجود دارد.

ب) بین مقاومت اجتماعی زنان و احساس امنیت زنان رابطه معناداری وجود دارد.

پ) بین برنامه‌ریزی و طراحی شهری مناسب‌تر و احساس امنیت زنان رابطه معناداری وجود دارد.

ت) بین امنیت اقتصادی و احساس امنیت زنان رابطه معناداری وجود دارد.

ث) بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی توسط زنان و احساس امنیت رابطه معناداری وجود دارد.

ج) بین نگرش مثبت از خود و احساس امنیت زنان رابطه معناداری وجود دارد.

چ) بین نگرش به پوشش مثبت‌تر و احساس امنیت زنان رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به میزان روایی و اعتباری که هریک از متغیرهای مستقل و وابسته برای اثبات فرضیات باید داشته باشند بر اساس استفاده از تکنیک آلفای کراباخ در نرم افزار Spss20 سازه های ما در این تحقیق در حد مطلوبی دارای روایی می باشند که جدول ذیل به طور خلاصه بیانگر این حد مطلوب می باشد.

جدول شماره 2: ضریب آلفای کراباخ

سازه ها	تعداد گویه	میزان آلفا
احساس امنیت (متغیر وابسته)	10	0,710
حمایت اجتماعی	4	0,707
نگرش فرد به خود	4	0,729
امنیت اقتصادی	4	0,702
نگرش به پوشش	4	0,685
مقاومت اجتماعی	5	0,668
وسایل ارتباط جمعی	3	0,606
برنامه ریزی و طراحی شهری	5	0,704

احساس امنیت: به معنای فقدان هراس از این که ارزش های انسانی مورد حمله قرار گیرد، یا به خطر نیفتد. به عبارت دیگر هراس و بیم نسبت به آزادی های مشروع و حقوق شهروندی فرد در سطح جامعه وجود نداشته باشد.

در تحقیق حاضر به این نکته توجه می کنیم که زنان جامعه مورد مطالعه تا چه حد از میزان احساس امنیت برخوردارند، و آرامش خاطر داشته اند. به عبارت دیگر حقوق شهروندی زنان به عنوان گروهی اجتماعی در جامعه بطور نسبی رعایت می شود و یا مورد مخاطره قرار می گیرد. سطح سنجش این متغیر وابسته ترتیبی است و به صورت گزینه 5 تایی طیف لیکرت (خیلی زیاد تا خیلی کم) یا (خیلی موافقم تا خیلی مخالفم) مورد ارزیابی قرار گرفته است.

حمایت اجتماعی: در واقع اشاره به مساعدت ها و همکاری های فردی و اجتماعی می کند که فرد در طی زندگی اجتماعی خود در هنگام مشکلات از دیگران بالاخص (خانواده، دوستان، همکاران، همسایگان و...) برخوردار است. سطح سنجش این متغیر ترتیبی در قالب طیف لیکرت و 5 گزینه ای می باشد.

نگرش فرد به خود: در این تحقیق این متغیر اشاره به توانمندی ها و ظرفیت های فردی خود می کند که چه برداشتی داشته و در هنگام بروز مشکلات تا چه میزان به خود اعتماد دارد. سطح متغیر ترتیبی و بر اساس طراحی 5 گزینه ای طیف لیکرت در پرسشنامه آورده شده است.

استفاده از وسایل ارتباط جمعی: بهره مندی از رسانه های جمعی جهت بالابردن آگاهی های فردی نسبت به مسأله امنیت و احساسی که نسبت به این مسأله می توانند از طریق کارکردهای رسانه ای به دست آورند. سطح سنجش اندازه گیری متغیر مذکور ترتیبی و بر اساس طراحی 5 گزینه ای طیف لیکرت از پاسخگویان یافته های مورد نظر را جمع آوری نموده ایم.

نگرش فرد به پوشش: اشاره به برداشتی که زنان نمونه و جامعه مورد مطالعه تحقیق نسبت به حجاب و پوشش بدنی خود در سطح جامعه دارند. سطح متغیر مورد نظر را ترتیبی براساس طیف لیکرت مورد بررسی قرار داده ایم.

مقاومت اجتماعی: اشاره به مقاومت در برابر خطراتی می کنند که ممکن است در سطح شهر در فضاهای شهری برای وی بوجود آید.

## یافته ها

نتایج حاصل از داده های آماری را می توان در دو بخش مجزا ارائه کرد. ابتدا با توجه به ویژگی های زمینه ای پاسخگویان که بیشتر متغیرهای جمعیت شناختی تحقیق بوده متمرکز شده و رابطه آنها را با میزان احساس امنیت مورد سنجش قرار داده ایم، در بخش بعدی علاوه بر توصیف و تحلیل متغیرهای اصلی تحقیق و آزمون فرضیات به تحلیل رابطه چند متغیره بر اساس رگرسیون چند گانه به روش گام به گام می پردازیم.

### ویژگی های جمعیت شناختی (متغیرهای زمینه ای)

در این تحقیق مهمترین متغیرهای زمینه ای همچون سن، وضعیت تاهل، تحصیلات را به عنوان متغیرهای زمینه ای در نظر گرفته شده که در جامعه مورد مطالعه رابطه احتمالی با احساس امنیت را دارد. همان گونه که در جدول زیر مشاهده می شود، پاسخگویان از لحاظ سنی به هشت گروه تفکیک شده اند که به جهت میزان بالای جمعیت گروه دوم فراوانی آنها در نمونه زیر سایر گروه هاست.

جدول شماره 3: ویژگی های جمعیت شناختی (متغیرهای زمینه ای)

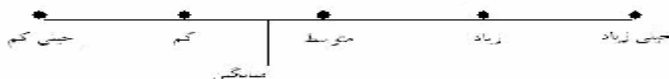
متغیر	مولفه ها	فراوانی	درصد
سن	20-24 ساله	103	26/3
	25-29 ساله	125	31/9
	30-34 ساله	60	15/3
	35-39 ساله	29	7/41
	40-44 ساله	35	8/9
	45-49 ساله	23	5/8
	50-54 ساله	12	3/06
	55 ساله به بالاتر	4	1/02
وضعیت تاهل	متاهل	180	46/03
	مجرد	211	53/96
تحصیلات	ابتدایی	29	7/41
	راهنمایی	24	6/13
	متوسطه	130	33/2
	فوق دیپلم	80	20/4
	لیسانس	123	31/4
	فوق لیسانس و بالاتر	5	1/27

از سوی دیگر متغیرهای مسکن وضعیت تأهل و میزان تحصیلات با احساس امنیت رابطه داشته اند، به این ترتیب می توان بیان کرد که افراد دارای تحصیلات، شغل، وضعیت تاهل و نوع مسکن متفاوت از میزان های متمایزی از احساس امنیت بهره می برند؛ همانگونه که جدول ذیل ارقام معناداری را نشان می دهد، تفاوت ها معنادار را بازگو می نماید.

جدول شماره 4: تعیین رابطه متغیرهای زمینه ای با احساس امنیت زنان

متغیر	مولفه	درصد	آزمون	معناداری
وضعیت تاهل	متاهل	46/03	F=01/190	0/001
	مجرد	53/96		
وضعیت تحصیلات	ابتدایی	7/41	F=5/108	0/000
	راهنمایی	6/13		
	متوسطه	33/2		
	فوق دیپلم	20/4		
	لیسانس	31/4		
	فوق لیسانس و بالاتر	1/27		
نوع مسکن	ویلایی	18/4	T= 001/7	0/078
	آپارتمانی	80/3		
	بی جواب	1/3		
شغل	آزاد	7/92	F=00/789	0/000
	دولتی	21/12		
	خانه دار	29/59		
	کارگر	2/75		
	دانشجو	30/82		
	سایر	7/8		

با توجه به میانگین به دست آمده برای متغیر وابسته تحقیق 2/27 بوده است که بیانگر این است که احساس امنیت زنان در کلان شهر مشهد متوسط روبه پایین است، بر این اساس احساس امنیت پاسخگویان 44/7 درصد کم، 58/2 درصد متوسط و تنها 1/1 درصد افراد از احساس امنیت بالایی برخوردار بوده اند. این نتایج نشانگر این است که پایین بودن احساس امنیت در بین زنان مشهد را می توان در شکل زیر مشاهده کرد.



با توجه به آنچه که در سطور قبل بیان کردیم بخش دیگری از یافته‌های تحلیل به لحاظ نظری اشاره به مجموعه‌ای از عوامل موثر بر احساس امنیت زنان مشهد می‌کند که در واقع متغیرهای مستقل یاد شده در بخش فرضیات تحقیق می‌باشد. جدول ذیل اشاره به رابطه متغیرهای مندرج در چارچوب نظری با احساس امنیت در قالب فرضیات طرح شده می‌کند که میزان همبستگی و سطح معناداری را نیز ارائه می‌دهد.

جدول شماره 5: آزمون فرضیات و میزان همبستگی‌ها بین متغیرها

ردیف	فرضیه‌ها	همبستگی (r)	سطح معناداری
1	رابطه بین حمایت اجتماعی و میزان احساس امنیت	0/069	0/247
2	رابطه بین برنامه ریزی و طراحی شهری و میزان احساس امنیت	** 0/392	0/000
3	رابطه بین امنیت اقتصادی و میزان احساس امنیت	** 0/029	0/000
4	رابطه بین رسانه‌های جمعی و میزان احساس امنیت	** 0/532	0/000
5	ارتباط نگرش مثبت از خود و میزان احساس امنیت	** 0/322	0/000
6	ارتباط بین پوشش مثبت و میزان احساس امنیت	** 0/480	0/000
7	ارتباط بین مقاومت اجتماعی و میزان احساس امنیت	0/006	0/917

در واقع بین متغیرهای مستقل رسانه‌های جمعی، طراحی و برنامه ریزی شهری، نگرش فرد از خود، تصور فرد از پوشش مثبت خود، و امنیت اقتصادی و میزان احساس امنیت رابطه وجود دارد و بین متغیرهای مقاومت اجتماعی و احساس امنیت زنان رابطه معناداری یافت نمی‌شود.

همچنین با استفاده از آزمون رگرسیون چند گانه با تکیه بر روش گام به گام سه‌م کلیه متغیرهای زمینه ای و اصلی پژوهش در تبیین واریانس احساس امنیت زنان مورد مطالعه قرار گرفته است که جدول ذیل اشاره به این مطلب می کند.

جدول شماره 6: مشخصات مدل های رگرسیون

		R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
Model	1	.7620	.550	.538	3,589
	2	.700	.490	.485	3,789
	3	.731	.534	.526	3,634
	4	.613	.376	.372	4,185
	5	.494	.244	.242	4,598
	6	.720	.518	.512	3,691

همان گونه که در جدول بالا می توان مشاهده کرد شش مدل از تحلیل رگرسیون به دست آمده است که اولین مدل دارای بیشترین ضریب تعیین (0/55) و بیشترین همبستگی (0/76) را بیان می کند. علاوه بر این جدول ذیل اشاره به ضرایب رگرسیون متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته احساس امنیت می کند.

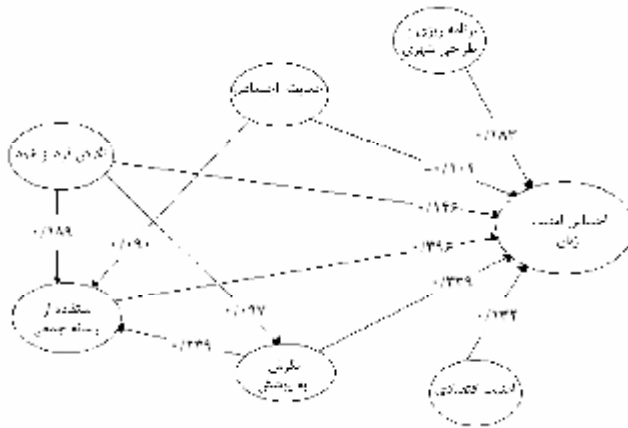
جدول شماره 7: ضرایب رگرسیون متغیرهای مستقل بر میزان احساس امنیت

Constant	17,912	2,265	B	7,970	000
استفاده از وسایل ارتباط جمعی	.752	.092	0/352	8,506	000
نگرش به پوشش	.560	.067	0/372	8,892	000
طراحی و برنامه ریزی شهری	.555	.078	0/312	8,333	000
نگرش فرد به خود	.417	.099	0/186	4,242	000
امنیت اقتصادی	-1525	472	-0/132	-3,138	.002
حمایت اجتماعی	-182	.065	-0/127	-2,925	.004

با توجه به این جدول باید بیان نمود که میزان احساس امنیت زنان در مشهد متأثر از متغیر مستقل رسانه های جمعی به میزان (0,752+) و نگرش به پوشش به میزان (0,560+)، برنامه ریزی و طراحی شهری به مقدار (0,555+)، نگرش فرد از خود (0,417+)، امنیت اقتصادی به میزان (1,52-) و متغیر حمایت اجتماعی به میزان



(0,182) می باشد. همچنین مدل تحلیل مسیری مدل رگرسیونی فوق، به شکل زیر قابل ارائه است.



شکل شماره 2: مدل تحلیل مسیری

## بحث و نتیجه گیری

احساس امنیت از بعد ذهنی از مفاهیم عمده در بحث امنیت هر جامعه ای در حوزه مطالعات روان شناسی و جامعه شناختی می باشد، این مفهوم همانند سایر مفاهیم دیگر از پیچیدگی و نامفهومی خصیصه ذاتی و ماهوی برخوردار است. معما گونهی این مفهوم در حاله ای از رمز و رازهای نظری و ایدئولوژیکی تا جایی می باشد که بوزان از نظریه پردازان برجسته این مفهوم بیان می کند که « هرگونه تلاشی برای درک مفهوم امنیت، بدون آگاهی کافی از تناقضات و نارسایی های موجود در خود این مفهوم ساده اندیشانه است (بوزان، 1379: 37). علاوه بر این تأمین امنیت از لازمه های ثبات و پایداری نظم اجتماعی است و به همین دلیل اطلاع از میزان احساس امنیت، موضوعی مهم و درخور امنیت اجتماعی، موضوعی مهم و درخور توجه است.

نتایج توصیفی متغیر وابسته تحقیق نشان می دهد که میزان احساس امنیت زنان شهر مشهد در حد متوسط به پایین است. میانگین به دست آمده برای متغیر وابسته تحقیق 2/27 بوده است که بین کم و متوسط (مایل به متوسط) قرار دارد.

مهمترین پیشنهادهای ارائه شده از سوی زنان برای امنیت در سطح جامعه به ترتیب فراوانی عبارت بودند از: رعایت پوشش و آرایش مناسب از سوی زنان (25/7%)، فرهنگ سازی (22%)، برخورد جدی پلیس با عوامل ناامنی زنان (20/2%)، وضع قوانین جدی و شدید برای مزاحمین (10/5%)، افزایش آگاهی زنان (10%)، افزایش گشت انتظامی (9/1%)، افزایش وسایل نقلیه ویژه زنان (5/5%)، روابط خانوادگی مسالمت آمیز (3%)، رفتار مناسب پلیس با زنان (2/5%)، روشنایی معابر (1/9%) و ...

در مباحث تبیینی و استنباطی و ارتباط متغیرهای مستقل با متغیر وابسته پژوهش (احساس امنیت)، تأثیر متغیرهای زیر بر متغیر وابسته معنادار به دست آمده است.

نگرش به امنیت اقتصادی که  $R^2=0/025$  یعنی این متغیر توانسته است که 0/025 واریانس متغیر وابسته را تبیین کند. طراحی و برنامه ریزی شهری که  $R^2=0/175$  بدست آمده است، یعنی این متغیر 0/175 واریانس متغیر وابسته پژوهش را تبیین کند. همان گونه که در تحلیل نظری نیز اشاره شده است طراحی شهری می تواند عامل بسیار مهمی در میزان بروز جرایم شهری باشد که می توان با یک برنامه ریزی صحیح از ایجاد فضای بدون دفاع شهری جلوگیری کرد.

استفاده از وسایل ارتباط جمعی که  $R^2=0/292$  بدست آمده است، یعنی این متغیر 0/292 واریانس متغیر وابسته پژوهش را تبیین می کند.

تصور فرد از خود که  $R^2=0/118$  بدست آمده است، یعنی این متغیر 0/118 واریانس متغیر وابسته پژوهش را تبیین نموده است.

نگرش به پوشش که  $R^2=0/226$  بدست آمده است، یعنی این متغیر 0/226 واریانس متغیر وابسته پژوهش را توجیه می کند.

در تحلیل رگرسیون چند متغیری در مدل نهایی تعداد 6 متغیر باقی ماندند که دارای بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته بوده اند که عبارتند از استفاده از وسایل ارتباط جمعی با مقدار بتای 0/352، نگرش به پوشش با مقدار بتای 0/372، طراحی و برنامه ریزی شهری با مقدار بتای 0/312، نگرش فرد به خود با مقدار بتای 0/186، امنیت اقتصادی با مقدار بتای 0/132- و حمایت اجتماعی با مقدار بتای 0/127- می باشد.

در این مدل نهایی، میزان ضریب تعیین به دست آمده (0/55) و میزان ضریب همبستگی (0/76) همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (0/538) بوده که برآوردی

است از اینکه مدل به دست آمده چقدر با داده های دیگری که از همان جامعه گرفته شود برازش داده می شود.

همان گونه که بیان شد مهمترین عامل تأثیرگذار استفاده از وسایل ارتباط جمعی است که بیشترین میزان بتا را داشته است، بعد از آن نیز متغیرهای نگرش به پوشش، طراحی و برنامه ریزی شهری، تصور فرد از خود، امنیت اقتصادی، و حمایت اجتماعی به ترتیب بر احساس امنیت زنان شهر مشهد اثر گذار بوده است.

### پیشنهادات

با توجه به نتایج تحقیق و آزمون فرضیه های مربوط به متغیرها راهکارهایی برای افزایش احساس امنیت زنان به شرح ذیل می توان بیان کرد.

1- ارتقای آموزه های دینی در میان رفتارهای شهروندان در جهت تامین و مشارکت امنیت بانوان جامعه.

2- استمرار هویت ها و تعلق خاطر به ارزش ها و آداب و رسوم فرهنگی شهر.

3- تلاش در راستای تامین بهداشت روانی و اجتماعی زنان با توجه به فرهنگ بومی و ملی.

4- بهره مندی از توانمندی های زنان در جهت ایجاد مشارکت در تثبیت امنیت در هر عرصه ای.

5- حفظ و پاسداشت سرمایه های ارزشی و فرهنگی زنان جامعه.

6- ارتقاء دانش و مدیریت جامعه محوری پلیس با توجه به فرهنگ بومی و محلی.

7- برقراری ارتباط تنگاتنگ نهاد اجتماعی خانواده (زنان) با نهادهای حاکمیتی و دولتی بالاخص پلیس.

8- پیشگیری از هرگونه اهانت و بی احترامی به هویت های اجتماعی شهروندان.

9- ترویج و تقویت تعاملات سازنده انسانی و اجتماعی در بین شهروندان.

10- تقویت دانش نرم افزاری و سخت افزاری هویت های اجتماعی زنان در جامعه.

11- اهتمام به خلق فرصت ها و افزایش منافع معرفتی و هویتی زنان.

12- درک ضرورت مطالعات و پژوهش های بین رشته ای امنیت و احساس امنیت گروه های اجتماعی در سطح جامعه آموزشی ایران.

13- ارائه راهبردها و راهکارهای پایدار (کوتاه و بلند) مدت نسبت به رفع موانع ناامنی زنان.

- 14- پیشگیری از انواع آسیب های روانی، اجتماعی، عاطفی، اقتصادی و فرهنگی در بین خانواده های ایرانی.
- 15- ترغیب و تشویق مشارکت پایدار شهروندان و گروه های اجتماعی در راستای حفظ الگوهای امنیت زنان.
- 16- توجه به تحولات و تحرکات امنیت جامعه زنان ایران معطوف به (1- موجودیت هویت گروهی، 2- سبک زندگی)
- 17- ایجاد خدمات رسانی مناسب شهری در حوزه حمل و نقل عمومی برای شهروندان از جمله زنان در زمان ها و مکان های خاص.
- 18- ساماندهی و نظارت دقیق بر وسایل حمل و نقل عمومی از سوی مدیریت شهری در نقاط مختلف شهر.
- 19- ایجاد وسایل حمل و نقل عمومی ویژه جهت استفاده اختصاصی بانوان و زنان جامعه شهری در نقاط مختلف مناطق شهری.
- 20- ارتقای آگاهی سطح امنیت شهروندان از سوی همکاری مستمر نهادهای انتظامی و شهری با رسانه های جمعی ملی و بومی.
- 21- توجه به نیازها و علایق زنان در سطح مدیریت شهری و نظارت به ایجاد فضاهای کاملاً ویژه برای بانوان.
- 22- ایجاد وضع قوانین در زمینه بسترسازی پیشگیری از ناامنی و کنترل جرایم شهری برای شهروندان از جمله زنان از سوی نهادهای ذریبط، مقتنه، قضایی و انتظامی.
- 23- برخورد قاطع نیروی انتظامی با مزاحمت های خیابانی و استفاده از جرایم و تنبیه های اخلاقی برای این دسته از افراد خلاف کار شهری.
- 24- افزایش گشت های شبانه روزی در سطح محلات و مناطق شهری از سوی پلیس.
- 25- فرهنگ سازی در جهت حفظ پوشش اسلامی و کنترل حریم حجاب و عفت عمومی زنان جامعه.
- 26- تقویت برنامه ریزی های مدیریتی و امنیتی در راستای انسجام و پایداری اجتماعی جامعه نسبت به رعایت ارزش ها و هنجارهای هویت شهری گروه های اجتماعی.
- 27- تشویق زنان به افزایش سرمایه های اجتماعی و فرهنگی از سوی نهادها و سازمان های ذریبط در حاکمیت و دولت جامعه ایران.

## منابع:

- احمدی، یعقوب، اسمعیلی، عطاء (1389)، «سنجش احساس امنیت زنان مبتنی بر عوامل چند بعدی و میان رشته‌ای در شهر مشهد». فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره پیاپی (38)، شماره دوم، تابستان. صص 169-190. قابل دسترس در [www.sid.ir](http://www.sid.ir) [92/10/10]
- افتخاری، اصغر (1381)، «مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیتی»، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیات، بهرام (1388)، «جامعه شناسی احساس امنیت». چاپ اول، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- بوزان، باری (1378)، «مردم، دولت ها و هراس»، چاپ اول، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تریف، تری و دیگران (1383)، «مطالعات امنیتی نوین»، ترجمه علرضا طیب و وحید بزrgی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حسینی، حسین (1386)، «احساس امنیت: تأملی نظری برپایه یافته های پژوهشی»، فصلنامه امنیت، سال پنجم، شماره 4، دوره تابستان. صص 19-27. قابل دسترس در [www.sid.ir](http://www.sid.ir) [92/10/5]
- روی، پل (1382)، «معمای امنیت اجتماعی». ترجمه منیژه نویدنیا، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره سوم. صص 605-708. قابل دسترس در [www.sid.ir](http://www.sid.ir) [92/10/10]
- رضایی علی محمد (1385)، «ساخت و اعتبار یابی آزمون احساس ایمنی، ناامنی و رابطه آن با استعداد اعتیاد در دانشجویان دانشگاه های دولتی شهر تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- ریتزر، جرج، گودمن، جی داگلاس (1390)، «جامعه شناسی مدرن». ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- طاهرخانی، حبیب الله (1381)، «ایجاد فضاهای قابل دفاع شهری»، مجله مدیریت شهری، شماره 9، دوره بهار، صص 76-92. قابل دسترس در [www.sid.ir](http://www.sid.ir) [92/10/6]
- عظیمی هاشمی، مژگان (1384)، «تحلیل مقایسه ای احساس امنیت اجتماعی اقتصادی مردم مشهد و کشور»، مجله فرهنگ خراسان، سال پنجم، شماره 13، دوره تابستان، صص 172-198. قابل دسترس در [www.noormages.com](http://www.noormages.com) [92/10/10]

- موزن جامی، محمدهادی (1378)، «مقدمه ای بر امنیت و مولفه های آن»، فصلنامه دانش انتظامی. صص قابل دسترس در [www.sid.ir](http://www.sid.ir) [92/10/9]

- نصری، قدیر (1390)، «معنا و ارکان جامعه شناسی امنیت»، فصلنامه راهبرد، شماره 26، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، قابل دسترس در [www.noormages.com](http://www.noormages.com) [92/10/5]

- نویدنیا، منیژه (1382)، «درآمدی بر امنیت اجتماعی». فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره اول. صص 55-76. قابل دسترس در [www.sid.ir](http://www.sid.ir) [92/10/6]

- Mitar, Miran, (1996), assessment of societal security in recent past and today, college of police and security studies, Slovenia.
- Moller, Bjorn, (2000), National, Societal and Human Security Discussion – case study of the Israel – Palestine conflict.
- Soler, H., Vinayak, P. Quadagno ,D (2000), Biosocial Aspects of Domestic Violence. *Psychoneuroendocrinology*, 25, pp721-739.